

باسمه تعالی

مجموعه موضوعات پایان نامه‌ها و رساله‌های حقوقی

الف) رسانه و حقوق ملت

❖ حق دسترسی به اخبار، داده‌ها و اطلاعات عمومی در رسانه‌ها؛ مطالعه تطبیقی

یکی از نیازهای نوپدید جامعه، دسترسی شهروندان به اخبار و وقایع جامعه است. حق دسترسی آزاد به اطلاعات نیز در زمره آزادی‌های نسبتاً نوظهور می‌باشد که در پی تحولات جامعه بشری به رسمیت شناخته شده است. منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است.

قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ در این خصوص تصریح نموده: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشر و سنگ بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است.» ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم یکی دیگر از اسنادی است که بر این حق تصریح و تأکید کرده است. پس از تهیه پیش‌نویس قانون آزادی اطلاعات که به‌عنوان لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شد، این لایحه پس از دو بار رفت و برگشت میان مجلس و شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع گردید و در نهایت تحت عنوان «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» مشتمل بر ۲۳ ماده و هفت تبصره، در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با الحاق یک تبصره ذیل ماده ۱۰ به تصویب رسید.

❖ مطالعه تطبیقی روش‌های دادخواهی نقض آزادی بیان در رسانه‌های دولتی

رسانه‌ها همان‌طور که می‌توانند یکی از ابزارهای تأمین آزادی بیان باشند، ممکن است به ابزاری در مقابل آزادی بیان نیز تبدیل شوند. در اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد...». سؤال اصلی آن است که اگر رسانه‌ها ناقض آزادی بیان شوند، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و سایر نظامات حقوقی، چه راهکاری برای مقابله با این وضعیت پیش‌بینی شده است؟

❖ مطالعه تطبیقی حق بر دفاع اشخاص در مقابل اظهارات کذب یا توهین آمیز رسانه‌ای

رسانه‌های جمعی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود: دسته اول رسانه‌های مطبوعاتی هستند که از طریق چاپ به انتشار مطالب می‌پردازند و دوم رسانه صوتی و تصویری مانند صداوسیما هستند که از طریق ساخت، تولید و پخش برنامه به انعکاس موضوعات می‌پردازند. با بررسی قانون مطبوعات، متوجه می‌شویم که قانونگذار در مواد و بندهایی از آن، درباره نحوه پاسخگویی به اتهامات وارد شده به افراد اعم از حقیقی یا حقوقی در مطبوعات و نشریات، اشاره کرده است. جای سؤال است که آیا قوانینی مشابه، در حوزه رسانه صوتی و تصویری هم وجود دارد یا خیر؟ چراکه ممکن است برخی افراد در رسانه‌ها نسبت به دیگران مطالبی توهین‌آمیز یا توأم با افترا را نسبت دهند؛ بدون آنکه طرف مقابلشان فرصت صحبت و رویارویی و دفاع از منافع خود را داشته باشند. قانونگذار در راستای جلوگیری از تضییع حقوق این افراد، چه تمهیداتی اندیشیده است؟ و رویکرد نظام‌های حقوقی دیگر نسبت به این موضوع چه می‌باشد؟

❖ رسانه و حق بر بهداشت عمومی

بهداشت عمومی به‌عنوان یکی از مصادیق بارز مصلحت عمومی از موضوعات بنیادین و قوام‌بخش اجتماعی به شمار می‌رود. این امر از آنجاکه موضوعی با صبغه عمومی است لذا باید آموزش‌های دقیقی در باب رعایت نکات بهداشتی به شهروندان ارائه گردد تا ایشان سواد بهداشتی متناسبی برای کاربست چنین مواردی داشته باشند. یکی از طرقی که می‌تواند به شکلی مؤثر و نرم این نکات را آموزش دهد رسانه‌های جمعی مخصوصاً ظرفیت رسانه ملی است زیرا این رسانه به‌عنوان ابزاری قدرتمند در اطلاع‌رسانی در خصوص سلامت جامعه می‌تواند با استفاده از یافته‌های علوم انسانی مخصوصاً با توجه به جامعه‌شناسی طیف‌های مختلف اجتماعی اعم از زنان، مردان، سالمندان، کودکان، زنان باردار، افراد دارای بیماری‌های خاص و... نسبت به آموزش بایسته‌های بهداشتی اقدام نمود. به نظر می‌رسد موضوع فوق موضوعی قابل‌بررسی و تحقیق باشد به همین دلیل پرداختن به ابعاد مختلف آن مخصوصاً در موارد اضطراری و شیوع بیماری‌های واگیردار مثل کرونا امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود؛ چراکه در طول دوران مدیریت این بیماری علاوه بر ارائه نکات بهداشتی برای پیشگیری از ابتلا به این ویروس، بایستی کارهای روان‌شناسی و روان‌درمانی ویژه‌ای نیز ارائه گردد تا شهروندان آمادگی بیشتری در مواجهه با این بیماری داشته باشند.

❖ حق بر رده‌بندی برنامه‌ها و تفکیک برنامه‌های کودک، نوجوان، بزرگسالان و ...

رسانه ملی متعلق به همه اقشار جامعه است و لذا برنامه‌های صداوسیما باید به نحوی تنظیم شود که نیازهای همه افراد را در سنین مختلف مدنظر قرار دهد. رده‌بندی برنامه‌ها می‌تواند در این نیازسنجی و رفع نیاز موثر باشد، لذا باید از منظر حقوقی این رده‌بندی برنامه‌ها را مورد توجه قرار داد.

❖ حق بر سلامت جسمی و روانی شهروندان در استفاده از رسانه

در محافل علمی ارتباطات، جمله رایجی بسیار به چشم می‌خورد که می‌گوید: «رسانه، خود پیام است». به عبارتی، رسانه می‌تواند روی هر پیامی تأثیرگذار باشد و نقش بسیار مهمی را در سلامت جسمی و روانی شهروندان ایفا کند. یکی از ساز و کارهای اساسی که سلامت جسمی و روانی به واسطه آن به شکل اجتماعی، ایجاد یا تضعیف می‌شود، انواع سبک زندگی است. انتخاب سبک زندگی سلامت محور این امکان را برای مردم و شهروندان فراهم می‌آورد که به عنوان یک اقدام پیشگیرانه، کنترل شخصی بر سلامت روح و روان خود داشته باشند. رسانه علاوه بر حضور گسترده در زندگی افراد به عنوان منبع اصلی اطلاعات مربوط به سبک زندگی، اثرات مهمی بر سلامت عمومی جامعه دارند. لذا شهروندان در ارتباط با سلامت جسمی و روانی خود، نسبت به اطلاعاتی که رسانه در اختیار آنان قرار می‌دهد محق خواهند بود. به عبارتی رسانه باید نقش خود را به گونه‌ای اجرا کند که باعث سلامت روح و روان و نیز سلامت جسمانی شهروندان شود تا نه تنها افراد، بلکه جامعه نیز به سوی سلامت اجتماعی حرکت کند.

در حال حاضر آنچه در حوزه سلامت (جسمانی، روانی، اجتماعی) از رسانه، ترویج و آموزش داده می‌شود، اغلب به بعد جسمانی سلامت معطوف است که آن هم با نیاز و مصلحت آحاد جامعه تطابق چندانی ندارد. هیچ یک از رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ...) اهداف مشخصی را برای سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد جامعه دنبال نمی‌کنند و غالباً براساس میل و نظر برنامه سازان عمل می‌کند. بیشترین توجه برنامه‌های رسانه و همچنین فضای مجازی معطوف به بعد سلامت جسمانی و کمترین توجه معطوف به بعد سلامت روانی و اجتماعی است. این در حالی است که پرداختن متوازن به ابعاد سه گانه سلامت با وجود مشکلات عدیده اجتماعی و روانی در سطح جامعه و روند روبه رشد آن کمترین انتظاری است که می‌توان از رسانه‌ها به عنوان فرهنگ‌سازان و پیش‌قراولان عرصه سلامتی داشت. لذا پیشنهاد می‌شود:

- رسانه به عنوان مهمترین ابزار برای فرهنگ سازی، اهداف بلند مدتی را بر اساس آموزه‌های اسلامی و دینی برای سلامت افراد و جامعه دنبال کند که این اهداف تغییرات چشم‌گیری در سبک زندگی افراد بوجود آورد.

- رسانه با ساخت برنامه‌های خلاقانه، چالشی، نقش حرفه‌ای و رسانه‌ای خود را برای ایجاد سبک زندگی اسلامی و اخلاقی ایفا کند و در بعد سلامت جسمی و روانی به نوعی احقاق حقوق شهروندی نماید.

❖ راهکارهای حل تراحم رعایت حریم خصوصی و آزادی بیان در رسانه‌ها

رسانه‌ها موظف به تولید و انتشار خبر هستند ولی این رسالت، با محدودیتهایی از جمله رعایت حریم خصوصی و داده‌های شخصی؛ و مسئولیت حقوقی (مواد ۸ و ۹ قانون مسئولیت مدنی) و کیفری (مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای و مواد ۵۸۲ و ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی) مواجه است. آن‌ها نباید آنچه را که

مربوط به اطلاعات شخصی افراد و زندگی و مناسبات خانوادگی ایشان است را منتشر کنند. بویژه زندگی خصوصی چهره‌های ورزشی، هنری یا سیاسی همیشه جذاب است و موافقان انتشار چنین اخباری بر این عقیده‌اند که حوزه حریم خصوصی برای آنها بسیار کمتر از افراد دیگر است، و آزادی بیان برای جامعه‌ای دموکراتیک ضروری است؛ اما مخالفان بر آن اند که هر انسانی حق دارد حوزه خصوصی داشته باشد و قانون نیز باید از آن محافظت کند. رویه‌های قضایی نشان می‌دهند که در اغلب موارد افشای حریم خصوصی، نه تنها نفع اجتماعی ندارد که موجبات کنجکاوی‌های مضر و غیر اخلاقی و نقض امنیت فردی را نیز فراهم می‌کند. با این وجود کسی حق ندارد بواسطه حق بر حریم خصوصی، منافع عمومی را تضییع کند کما اینکه درآمدهای نجومی و اقدامات مقامات دولتی و عمومی، باید در دولت شیشه‌ای و درمقابل چشمان مردم قرار گیرد. بنابراین سؤال اصلی این محور با رویکرد مطالعات تطبیقی و در نظر داشتن و نقد پیشینه آثار موجود، راجع به طراحی «راهکارهای عینی و مشخص حل تزاخم رعایت حریم خصوصی و آزادی بیان در رسانه‌ها» است.

❖ راهکارهای حل تزاخم امنیت ملی و آزادی بیان در رسانه‌ها

رسانه‌ها موظف به تولید و انتشار خبر هستند و نظارت آنها بر کارکردهای دولت نیز از مجموعه وظایف آنهاست کما اینکه آنها مقدمات اعمال حق تمشیت و مشارکت عمومی را وفق اصل ششم قانون اساسی و بند دوم اصل سوم فراهم می‌کنند. به علاوه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای دولتی و عمومی از آنجا که باید تحت نظارت عمومی و پاسخگویی مردم باشند و این پاسخگویی از طرق مختلف از جمله رسانه‌ها حاصل می‌شود نمی‌توانند مطابق قانون (۱۱) انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اقدام به طبقه بندی مصوبات مربوط به حقوق شهروندی را با بهانه‌های مختلف نمایند: «مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه بندی به عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود.» با این وجود آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور ممکن است و البته این محدودیتها باید مشخص، عینی و مطابق اصل حاکمیت قانون اعمال گردند. بنابراین سؤال اصلی این محور با رویکرد مطالعات تطبیقی و در نظر داشتن و نقد پیشینه آثار موجود، راجع به طراحی «راهکارهای عینی و مشخص حل تزاخم امنیت ملی و آزادی بیان در رسانه‌ها» است.

❖ بایسته‌های حقوقی رسانه‌ها جهت تحقق فقرزدایی و عدالت اجتماعی

مطابق بند (۱۲) اصل (۳) و اصل ۴۳ قانون اساسی، یکی از وظایف حکومت جمهوری اسلامی ایران، فقرزدایی است. لذا در کشور ایران، رسانه‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم، بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند.

آیا رسانه‌ها در زمینه فقرزدایی نیز می‌توانند نقش‌آفرینی کنند؟ جهت نیل به این مهم، چه چالش‌ها و راهکارهایی پیش روی رسانه‌هاست؟

❖ الگوی شایسته دادرسی در حوزه رسانه (آئین دادرسی حوزه رسانه)

در کشور ما، قانونگذار برای بعضی دعاوی به دلیل ملاحظاتی ویژه‌ای که داشته است و همچنین به دلیل نیازهای جامعه، آیین دادرسی ویژه‌ای وضع نموده است. گرچه در حال حاضر دعاوی مطروحه در زمینه حقوق رسانه زیاد نیست، اما پیش‌بینی می‌شود که در آینده‌ای نزدیک بر تعداد این دعاوی به میزان چشمگیری افزوده شود. بدیهی است که رسیدگی به این دعاوی در حوزه تخصص عموم قضات نیست. همچنین رسیدگی به این دعاوی، سرعت بالاتری در مقایسه با سایر دعاوی می‌طلبد. لذا لازم است مراجع شبه قضایی همچون دادگاه تخصصی رسانه ایجاد گردد و آیین دادرسی منحصر به آن وضع گردد. با توجه به این ملاحظات، می‌توان نتیجه گرفت که رسیدگی به دعاوی مرتبط با حقوق رسانه، مستلزم آیین دادرسی ویژه‌ای است.

ب) رسانه و اسناد بالادستی

❖ نقش رسانه ملی در تحقق بند ۱۷ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری

طبق بند ۱۷ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ رعایت، تمکین و احترام به قانون و تبدیل آن به یک مطالبه عمومی، از وظایف دولت به معنای حاکمیت است. یکی از نهادهای دولتی که در راستای تحقق این بند، تکلیف ویژه‌ای را برعهده دارد، رسانه ملی است. رسانه به جهت اثرگذاری ویژه‌ای که دارد می‌تواند در راستای ایجاد مطالبه عمومی و احترام به قانون و تمکین آن، نقش بسزایی ایفا کند. حال سؤال اصلی آن است رسانه ملی چگونه و با چه ابزاری می‌تواند در تحقق بند ۱۷ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، فعالانه عمل نماید؟

❖ آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر رسانه در برنامه‌های توسعه و ارائه الگو مطلوب در برنامه هفتم

برنامه‌های توسعه به‌عنوان قوانین مادر نقش مهمی در تنظیم روابط حقوقی نهادها و سازمان‌های عمومی دارد. صداوسیما نیز در برنامه‌های مختلف توسعه که تاکنون شش برنامه توسعه تصویب و اجرا شده است - موضوع تکالیف و مسئولیت‌های متعدد بوده است که این رویکردهای برنامه‌های شش‌گانه توسعه می‌تواند آسیب‌شناسی گردد و راه را برای تدوین و تصویب بهتر احکام برنامه هفتم توسعه در خصوص صداوسیما هموارتر نماید. همچنین تدوین منطقی و معقول احکام برنامه هفتم توسعه در خصوص صداوسیما می‌تواند ریل‌گذاری شایسته‌ای برای حرکت صداوسیما گردد.

در این تحقیق ابتدا آسیب‌های ناظر بر احکام برنامه‌های شش‌گانه توسعه در خصوص صداوسیما مشخص می‌گردد و سپس الگوی شایسته برای جایگاه صداوسیما در برنامه هفتم تدوین گردد.

ج) رژیم حقوقی حاکم بر اداره سازمان

❖ **بررسی ماهیت حقوقی سازمان صداوسیما و ارائه الگوی مطلوب بر اساس مطالعه تطبیقی رسانه‌های دولتی سایر کشورها**
بر اساس اصل ۴۴ و اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظرات تفسیری شورای نگهبان، صداوسیما، سازمانی دولتی است و رادیو و تلویزیون نیز منحصراً زیر نظر این سازمان دولتی فعالیت می‌کند. برای اینکه منافع قوای سه‌گانه در مواجهه با صداوسیما در تعارض با یکدیگر قرار نگیرد، مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی، این سازمان زیر نظر قوه مجریه اداره نمی‌شود و بلکه شورایی مرکب از نمایندگان سه قوه بر آن نظارت می‌کنند. حال جای سؤال است که سایر رسانه‌های ارتباطی در سایر نظام‌های حقوقی به چه نحو اداره می‌شود و چه قوانین و مقرراتی بر آن حاکم است؟

❖ مطالعه تطبیقی الگوهای نظارت بر رسانه دیداری-شنیداری

اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح نموده: «نصب و عزل رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت...». سایر نظامات حقوقی، چه الگوهایی برای نظارت بر رادیو تلویزیون برگزیده شده است؟ بر این نحوه نظارت‌ها چه مزایا و معایبی مترتب است؟

د) مسئولیت مدنی رسانه‌ای

❖ **مسئولیت مدنی ناشی از تبلیغات ناسالم و گمراه‌کننده در فضای مجازی**
امروزه تبلیغات در توسعه تجارت نقش مهمی را ایفا می‌کند و کمتر بنگاه تجاری را می‌توان یافت که بدون تبلیغات مبادرت به فعالیت کند. گاهی انگیزه مضاعف عرضه‌کنندگان برای جلب مشتری بیشتر، باعث می‌شود که اطلاعات نادرستی را در تبلیغات بگنجانند که منجر به ورود ضررهای مادی و معنوی به شخص مصرف‌کننده می‌شود.
بند «ه» ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده (۷) قانون حمایت از مصرف‌کنندگان تبلیغات خلاف واقع و گمراه‌کننده را چنین تعریف کرده است: "تبلیغ حاوی اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده کالا و خدمات می‌شود"
در خصوص ممنوعیت تبلیغات گمراه‌کننده و خلاف واقع، شکی نیست؛ زیرا در مواد متعددی از قانون بر چنین امری تصریح شده است، اما جای سؤال است که چه راهکارهایی برای جبران زیان وارده بر مصرف‌کننده

وجود دارد؟ آیا رسانه‌های پخش‌کننده این تبلیغات و همچنین سازندگان این گونه آگهی‌های تبلیغاتی در برابر مصرف‌کننده مسئولیتی دارند یا خیر؟

❖ بررسی مسئولیت ناشی از اخبار و اطلاعات جعلی در رسانه‌ها

انتشار خبرهای ناصحیح در رسانه‌ها ممکن است آثار و عواقب جبران‌ناپذیری بر زندگی برخی شهروندان برجای بگذارد. این آثار ممکن است جنبه مادی یا معنوی داشته باشد؛ مثلاً منافع اقتصادی، اعتبار تجاری یا آبروی شهروندان آسیب ببیند. همچنین ممکن است که رسانه‌ها مطالب ناصحیحی را به شهروندان بیاموزند و شهروندان نیز با عمل به آن آموزه‌ها، از جهت مادی یا معنوی آسیب ببینند. برای مقابله با این آسیب‌ها، تاکنون چه مقرراتی وضع شده است؟ آیا این مقررات کافی بوده است؟ چه تمهیدات دیگری باید اندیشیده شود تا از طرف رسانه‌ها زیانی متوجه شهروندان نشود؟

ه) رسانه و حقوق اقشار و نهادهای خاص

❖ حقوق کودک و رسانه‌ها

وسایل ارتباط جمعی مهم‌ترین شاخصه جامعه مدرن به شمار می‌رود و رسانه‌ها نقش پررنگی در رشد و تعالی کودکان دارند. نقش تلویزیون نسبت به سایر رسانه‌ها برجسته‌تر به نظر می‌رسد. این امر آنجا تحقق می‌یابد که کودکان به عنوان متقاضیان جدی برنامه‌های تلویزیون مطرح‌اند. امروزه رسانه و تلویزیون در بیشتر خانه‌ها به یکی از اعضای خانواده بدل شده است. کودکان نه تنها به کلمات و حالات چهره و حرکات انسان‌های واقعی اطراف خود واکنش نشان می‌دهند بلکه از شخصیت‌های نمایشی، کارتون‌ی و تلویزیونی نیز تأثیر می‌پذیرند. رسانه از طریق انتقال مجموعه وسیعی از اطلاعات و احساسات به کودکان، تأثیر شگرف و فوق‌العاده‌ای بر رشد و تعالی فکری و فرهنگ غالب بر آنها دارد. با توجه به اینکه مدت زیادی از ورود رسانه به زندگی مردم و جامعه می‌گذرد، اغلب والدین براین باورند که با کودکان خود در این زمینه (استفاده درست از رسانه) مشکلی ندارند، در حالیکه چنانچه برنامه‌های تلویزیونی به سمتی برود که خشونت و پرخاشگری در آن زیاد باشد و سیستم ارتباطی خانواده نیز به گونه‌ای مختل باشد که هیچ گونه تبادل نظری در بین اعضای آن صورت نگیرد، می‌توان تأثیر نامطلوبی بر روی رفتار کودک بگذارد.

کودک برای کارتون و انیمیشن‌ها و فیلم‌ها وسریال‌ها جنبه خیالی قائل نیست و هرچه را می‌بیند واقعیت محض می‌داند. در تحقیقات صورت گرفته در کشورهای نظیر فرانسه، کودکانی که در هفته بیش از یکبار به پای رسانه می‌نشینند و فیلم می‌بینند نیازمند مراقبت روان پزشکی هستند. آن‌ها معمولاً بعد از دیدن کارتون‌های پر تحرک و خشن به تقلید می‌پردازند و با شخصیت اصلی برنامه همذات‌پنداری می‌کنند. برنامه‌ها و فیلم‌های خشونت آمیز، فضای ذهنی کودک را شکل داده و شخصیت او را پایه‌ریزی می‌کند. نگرانی‌ها برای رفتار و واکنش‌های کودک در برابر فیلم‌ها و کارتون‌های که در رسانه‌های مختلف به نمایش گذاشته می‌شود و تأثیرات منفی از قبیل پرخاشگری، انزواگرایی، افت تحصیلی، آسیب فرهنگی و شخصیتی و زبان‌های جسمی که بر کودکان دارند در تمام سطوح بین‌المللی و در تمام جوامع مشهود است.

به همین منظور و برای رفع این نگرانی‌ها جوامع بین‌المللی اقدامات متناسب انجام داده‌اند و قوانینی را تنظیم نمودند که مهمترین این قوانین، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ می‌باشد که در ماده ۱۷ این کنوانسیون به رسانه و برنامه‌هایی که باید در اختیار کودکان باشد اشاره کرده است. اما در جمهوری اسلامی ایران، به رغم مبانی و فرهنگ غنی دینی و ملی، که در بردارنده متعالی‌ترین نگاه‌ها به کودک و پاسداشت منزلت و حقوق است، خلأ آشکاری در زمینه قوانین حمایت‌آمیز از حقوق کودک در برابر رسانه‌ها وجود دارد. ادامه این خلاء به هیچ وجه زیبنده ایران و نظام اسلامی نیست. در این تحقیق حقوق کودک از منظر حقوق رسانه مورد توجه قرار می‌گیرد.

❖ حقوق زنان و رسانه‌ها

اصل (۲۰) قانون اساسی، حقوق زنان و مردان را یکسان دانسته و تصریح نموده: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». اصل (۲۱) این قانون نیز بیان داشته: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: (۱) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او...»

با این توضیحات، چنین پرسش‌هایی مطرح می‌شود که رسانه‌ها در مقابل زنان چه وظایفی را بر عهده‌دارند؟ رسانه ملی در راستای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی زنان، چه فعالیت‌هایی را می‌بایست انجام دهد؟

(و) رسانه و حقوق جزا / حقوق جزای رسانه‌ای

❖ مطالعه تطبیقی نقش رسانه‌ها در کاهش دعاوی و جرائم

وسایل ارتباطات جمعی در اذهان و افکار عمومی، ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را توسعه داده یا تثبیت می‌کنند. این وسایل می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری، نفرت، زشتی، تزلزل باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند، یا برعکس ارزش‌های متعالی را به آنان تقدیم کنند. بر این اساس، یکی از کارکردها و وظایف مهم رسانه‌ها، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی است که این مهم باعث کاهش دعاوی و جرائم می‌شود. لذا سؤال اصلی آن است که رسانه در کشور ایران و همچنین در سایر کشورها، از چه طرقی می‌تواند باعث کاهش جرائم شود؟

❖ روش‌های پیش‌گیری از وقوع تخلفات و جرائم رسانه‌ای

فعالیت‌های رسانه‌ای همانند هر فعل دیگری می‌تواند مثبت و منفی و مطابق قانون یا مخالف آن انجام گیرد. بنابراین آموزه‌های اسلامی برای فعالیت‌های رسانه‌ای به سبب خروج از خطوط قرمز، جرائمی را مشخص کرده است.

جرائم رسانه‌ای عبارت است از: مواردی که در قانون جزائی و کیفری و حقوق اسلام و سایر قوانین عادی از سوی نظام قضائی و حقوق اسلام جرم شمرده شده است و اصحاب رسانه مرتکب آن می‌شوند. در نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را در اختیار محاکم دادگستری قرار داده است اما تعریفی از مطبوعات صورت نگرفته و مشخص نیست که دیگر رسانه‌ها، شامل این اصل می‌شوند یا خیر. حال باید به این سوال پاسخ داد که از چه راهکارهای حقوقی و قانونی برای کاهش تخلفات و جرایم رسانه‌ها می‌توان بهره برد؟

❖ مطالعه تطبیقی نقش رسانه ملی در کاهش جرائم رسانه‌ای

رسانه‌ها در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم، نقش آفرینی می‌کنند به گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است زیرا دانش عمومی از جرم و جنایت و عدالت تا حد زیادی از رسانه‌ها به خصوص رسانه ملی به دست می‌آید. اگر رسانه ملی به نحو صحیحی در راستای فرهنگ جامعه فعالیت کند می‌تواند موجب ارتقای ارزش‌های انسانی شود و از وقوع بسیاری از معضلات و جرائم در جامعه پیشگیری کند و جرائم را کاهش دهد. رسانه‌های ملی مهم‌ترین ابزار نظارتی در جامعه هستند و به مثابه چشم جامعه عمل می‌کنند و می‌توانند مراجع کیفری را از اقدامات جرائم آگاه کنند و باعث شوند جرم در مرحله شکل‌گیری در نطفه خفه شود. رسانه ملی قابلیت خوبی در این زمینه دارد و می‌تواند موقعیت‌های انتخاب جرم به ویژه در جرائم رسانه‌ای که مبارزه با آنها سخت است را افشا کند. رسانه ملی از طریق نمایش رفتار درست می‌تواند اجتماع را حفظ کند. رسانه ملی توانایی حساس سازی عموم جامعه نسبت به موضوع کاهش و پیشگیری از جرائم رسانه‌ای در سطح اجتماعات محلی و ملی را دارد. از راه کارهای مقابله با جرائم رسانه‌ای، رسانه ملی سهم به‌سزایی در این زمینه دارد که از اهم آن می‌توان به مقابله با تحریک‌کنندگی، بازبینی محتوای برنامه‌ها و مطالب رسانه‌های حقوقی اشاره کرد.

(ز) رسانه ملی و حقوق بین‌الملل

❖ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کنترل محتوای رسانه (ترویج خشونت، نژادپرستی، محتوای غیراخلاقی)

در همه کشورهای دنیا فارغ از نظام حاکم بر آن‌ها، ابزارهای مختلفی برای کنترل و نظارت بر تولیدات رسانه‌ای به‌منظور حراست از مفاهیمی بنیادین اعمال می‌شود. به عبارتی دیگر در این خصوص می‌توان مدعی بود در هیچ حکومتی نمی‌توان آزادی مطلق را در تولیدات و پخش آثار رسانه‌ای مورد شناسایی قرارداد. از این رو با عنایت به اینکه اعمال دول و تابعان درون‌مرزی آنان در عرصه بین‌المللی می‌تواند واجد مسئولیت برای آن دولت متبوع باشد لذا نباید آثار تولیدی در حوزه سرزمینی آن کشور باعث برهم خوردن نظم عمومی بین‌المللی از طریق نفرت پراکنی یا پخش برنامه‌های ضد اخلاقی یا ترویج تروریسم و... باشد. از این رو به نظر می‌رسد

تحقیق حاضر بتواند با شناسایی اصل مسئولیت دولت‌ها و وظایف آن‌ها در قبال تولیدات رسانه‌ای به منظور جلوگیری از ترویج تروریسم یا نشر برنامه‌های ضد اخلاقی که در تضاد با مفاهیم بنیادینی مثل خانواده است عمل نماید.

❖ چالش‌های حقوقی تحریم‌های یک‌جانبه بر رسانه‌ها از منظر حقوق بین‌الملل (با محوریت رسانه ملی)

در ایران با اعمال تحریم‌ها مرادفات و تعامل رسانه با نهادهای همکار در خارج از کشور کمتر شد و رسانه‌های داخلی دچار محدودیت‌های شدید شدند. باین حال توقف پخش برنامه‌های ماهواره‌ای مخالف اصول حقوق بین‌الملل از جمله اصل آزادی اطلاعات، اصل آزادی مشروط پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، اصل ممنوعیت انحصار در پخش برنامه‌های ماهواره‌ای و... است و نقض این اصول می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تحریم‌کننده را به دنبال داشته باشد. با توجه به توضیحات فوق موضوع در حال حاضر یکی از چالش‌های حقوقی مطرح در ایران و یکی از موضوعات کاربردی است و بررسی موضوع باعث روشن شدن و تبیین چهارچوب‌های حقوقی آن در تمام ابعاد خواهد شد و پژوهشگر با نگاهی عمیق‌تر به موضوع می‌تواند راه‌حلی را برای جلوگیری از اعمال تحریم‌ها و دور زدن آن ارائه دهد.

ح) مقررات‌گذاری در رسانه

❖ تنظیم مقررات رسانه‌های تعاملی و تلویزیون‌های اینترنتی

با پدید آمدن تکنولوژی‌های جدید، دسترسی به اطلاعات و اخبار آسان‌تر می‌شود. دریافت اطلاعات و اخباری که تاکنون از طریق رادیو و تلویزیون میسر بود، امروزه به راحتی از طریق تلویزیون‌های اینترنتی و رسانه‌های تعاملی قابل دریافت است. مسئله اصلی آن است که متولی قانونی ایجاد تلویزیون‌های اینترنتی و رسانه تعاملی چه مرجعی است؟ با توجه به آن‌که در قانون اساسی طبق اصل (۱۷۵) و اصل (۴۴) و نظرات تفسیری شورای نگهبان، متولی این امر به طور کلی مشخص شده است، اما لازم است جهت شفافیت بیشتر در این زمینه مقررات‌گذاری شود تا سایر نهادهای دولتی و خصوصی از این امر تمکین نمایند.

❖ نظام حقوقی مطلوب مقررات حوزه تنظیم‌گری با مطالعه تطبیقی

با ظهور پدیده همگرایی و آشکارشدن آثار و پیامدهای آن اصلاحات نهادی مقررات‌گذارها، یکی از موضوعات مهم در خط مشی‌های این موضوع بوده است. در بسیاری از کشورها که نهادهای مقررات‌گذار حوزه رسانه‌های پخش همگانی و مخابراتی از یکدیگر مجزا بوده‌اند، تلاش کرده‌اند ساختار را اصلاح کنند. بسیاری از کشورها نهاد همگرا دارند به این معنا که مقام‌های مقررات‌گذار در دو حوزه مخابرات و رسانه صوتی-تصویری با هم ادغام شده‌اند. کشورهایی مانند آمریکا و ژاپن از ابتدا دارای ساختار همگرا بودند اما

برخی دیگر مانند بریتانیا و مالزی به دلیل تغییرات حوزه ارتباطات و پدیده همگرایی به این سمت حرکت کردند. نهاد آما در استرالیا، آفکام در انگلیس از نهادهای همگرا هستند. اما علاوه بر نهاد همگرا، نهاد تنظیم گر برای چند حوزه مثل آلمان و نهاد تنظیم گر برای یک حوزه مثل فرانسه وجود دارد. شایان ذکر است استقلال نهاد مقررات گذار از بدنه دولت‌ها، ملاحظاتی را در طراحی ساختاری ایجاد می‌کند. از جنبه‌های محوری استقلال نهاد مقررات گذار عبارت است از: ساختار حکمرانی، شفافیت رویه‌ها و تضمین انجام وظایف است.

الگوهای مختلف برای نهاد تنظیم گر، براساس الزامات بومی و زمینه‌ای کشورها متفاوت است بر همین اساس الگوی پایدار برای کشور ما، نهاد تنظیم گر مستقل و جدا بودن سازوکار خط مشی گذاری از مقررات گذاری و نیز مشارکت مردم در نظارت بر رسانه‌های نوین است. تجربیات سال‌های گذشته در مدیریت فضاهاى جدید رسانه‌ای حاکی از نبود اجماع لازم برای نحوه مدیریت این نوع رسانه‌ها از نگاه نهادی است. گرچه مطابق برخی اسناد بالا دستی، رسانه‌های فراگیر در فضای مجازی به سازمان صداوسیما سپرده شده است، اما همچنان بر سر تعریف فراگیر اجماع لازم وجود ندارد.

ط) موضوعات ناظر بر هنجارهای رسانه‌ای

❖ مطالعه تطبیقی هنجارهای حاکم بر رسانه‌ها در ایام انتخابات

رسانه‌ها در پیروزی نامزدهای انتخابات نقش مهمی را ایفا می‌کنند و به همین دلیل هریک از نامزدها سعی می‌کنند به طرق مختلف با بهره‌گیری از رسانه‌ها نظر شهروندان را به خود جلب کنند. این رقابت ممکن است پیامدهای نامطلوبی را هم در پی داشته باشد؛ لذا در ایام انتخابات، رسانه‌ها باید چه قواعدی را در زمینه تبلیغات نامزدها رعایت کنند؟ در سایر نظام‌های حقوقی دیگر، رسانه‌ها باید چه هنجارها و قواعدی را در زمینه تبلیغات انتخاباتی رعایت کنند؟ این قواعد چه آثار و نتایجی را در پی خواهد داشت؟

❖ مطالعه تطبیقی مقررات حمایتی از خبرنگاران و مجریان با تأکید بر رسانه‌های عمومی-دولتی

امروزه آزادی اطلاعات به‌عنوان یکی از حقوق بشر به رسمیت شناخته می‌شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز قانونی با همین عنوان به تصویب رسیده است. ممکن است فعالیت‌های خبرنگاران برای کسب اخبار و اطلاعات منجر به رفتارهایی شود که ارتکاب این رفتارها برای افراد معمولی در قانون جرم‌انگاری شده باشد. اما در صورتی که خبرنگاران در راستای ایفای وظایف خود با خوف مجازات مواجه شوند، نمی‌توانند وظایف خود را به‌خوبی ایفا کنند و این امر نتایج نامطلوبی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و سایر نظام‌های حقوقی، چه تمهیداتی برای این امر اندیشیده شده است؟ آیا قوانین حمایتی که تاکنون وضع شده، کافی است؟ این قوانین با چه آسیب‌ها و چالش‌هایی مواجه است؟

ی) موضوعات ناظر بر رفتار رسانه‌ای

❖ مسئولیت رسانه‌ها در قبال صیانت از نهاد خانواده

نهاد خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه مهمی دارد. اصل (۱۰) این قانون تصریح نموده: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». با توجه به این اصل، همه نهادها و سازمان‌ها در قبال نهاد خانواده مسئولیت دارند. سؤال اصلی در این پژوهش آن است رسانه‌ها از چه طریق می‌توانند در جهت نیل به هدف مصرح در اصل فوق‌الذکر، فعالیت کنند؟ چنانچه رسانه‌ها این هدف را نقض کنند، مطابق قوانین جاری، چه راهکارهایی برای مقابله با این عمل پیش‌بینی شده است؟

❖ بررسی کد اخلاقی رسانه‌های دولتی؛ مطالعه تطبیقی

امروزه رسانه‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی توانسته‌اند جایگاه مهمی کسب نمایند. اخلاقیات یکی از مسائل مهم در حقوق رسانه‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی است. قوانین و مقررات برای برقراری نظم عمومی لازم است، اما کافی نیست؛ فلذا رسانه‌ها باید علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی، به ابزارهای نظارت درونی توجه نمایند. زیرا این ابزارها با فعالیت‌ها متناسب‌تر است و افراد، خود را بیشتر ملزم به رعایت آن می‌دانند. یکی از این ابزارهای درونی یا خود نظام دهی در رسانه‌ها، کدهای اخلاقی است که هر کشور به تناسب فرهنگ، وضعیت اجتماعی و غیره برای خود تعریف نموده است. کدهای اخلاقی نقش مهمی در دستیابی به اهداف رسانه‌ها و عمل به رسالت‌های اجتماعی آنها دارد. امروزه دولت‌ها می‌دانند که تاچه اندازه رعایت اخلاق و قواعد کار حرفه‌ای در حفظ اعتماد مردم نقش بسزایی دارد، از این رو خود شیوه‌ای را برای نظارت و کنترل آثار و تولیدات رسانه‌ای انتخاب می‌کنند، شیوه‌ای که مانع فعالیت‌های آنها نمی‌شود و مردم را در امور مدنظرشان مجاب می‌نماید. مسئله مهم در این پژوهش، مطالعه تطبیقی کدهای اخلاقی تعریف شده در رسانه‌های دولتی در سراسر جهان است.

ک) رسانه و حقوق مالکیت فکری در ماهواره و فضای مجازی

❖ چالش‌های حقوقی خدمات اینترنتی یا تلویزیونی ماهواره‌ای و اصل حاکمیت دولت‌ها

شبکه‌های ماهواره‌ای، امروزه رسانه‌هایی قدرتمند محسوب می‌گردند. کشور ما و سایر کشورها هر کدام از ظرفیت‌های ماهواره‌ای برای انتقال پیام‌های خود استفاده می‌کنند. از پرچالش‌ترین مسائل حقوقی در زمینه ارائه خدمات اینترنتی و برنامه‌های ماهواره‌ای، موضوع حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرزمینشان است.

اصل حاکمیت دولتها بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی و برفضای بالای کشورشان، استفاده کشورهای دیگر را از حریم هوایی آنها بدون اجازه بر نمی‌تابید. ولی ارسال امواج الکترومغناطیس حامل برنامه‌های مخابراتی و رادیویی و تلویزیونی و عبور ماهواره‌ها، به موجب رعایت حق بشری بر حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات، لازم و ضروری است. لذا دولتها وظیفه دارند دسترسی آزاد به اطلاعات را تضمین کنند و این محقق نمی‌شود مگر آنکه ارائه خدمات اینترنتی یا تلویزیونی ماهواره ممکن باشد. از سوی دیگر ارائه‌دهندگان خدمات ماهواره‌ای بر آزادی مطلق رسانه‌ها اصرار دارند، درحالی‌که این موضوع فاقد مبنای حقوقی است و با اصل حاکمیت دولتها در تعارض است. لذا سؤال اصلی آن است در ارائه خدمات اینترنتی یا تلویزیونی ماهواره‌ای، چه چالش‌های حقوقی پیش روی جمهوری اسلامی ایران است؟ بر اساس تحلیل حقوقی، آیا بهره‌گیری از ماهواره تجاوز به حق حاکمیت دولتهاست یا موجب رشد و شکوفایی ملت‌ها نیز می‌شود؟ با استناد به اصل حاکمیت دولتها، آیا دولتها ارسال کننده برنامه‌های ماهواره‌ای باید رضایت دولتها را بگیرند این برنامه‌ها را از قبل اخذ کرده باشند یا خیر؟

همچنین اصل حاکمیت دولتها یکی از اصول اساسی منشور ملل متحد است. عده‌ای معتقدند بنابر حق آزادی اطلاعات شهروندان حق دارند که از راه رادیو و تلویزیون و هر گونه وسایل ارتباط جمعی بتوانند آزادانه در تماس باشند اما عده‌ای دیگر با استناد به اصل حاکمیت دولتها اعتقاد دارند که دولت ارسال کننده برنامه‌های ماهواره‌ای باید رضایت دولت گیرنده این برنامه‌ها را از قبل اخذ کرده باشند حال براساس تحلیل حقوقی باید بررسی کرد که آیا استفاده از ماهواره تجاوز به حق حاکمیت دولتهاست؟ با توجه توضیحات ذکر شده موضوع مذکور، مناسب برای بررسی پژوهشگران حقوقی است.

❖ **چالش‌های حکمرانی رگولاتوری فضای مجازی و صوت و تصویر فراگیر ناشی از اینترنت ماهواره‌ای (چالش‌ها، بایسته‌ها و الگوی مطلوب حکمرانی "سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری" مشتمل بر IPT، Ipmedia و ...)**

رگولاتورها، نهادهای نظارتی بر فعالیت هر حوزه‌ای هستند و وجود رگولیشن به معنای این است که نهادی بر کار نظارت دارد. بحث صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی و اینترنت ماهواره‌ای به معنای این است از شیوه‌های کنترلی که مبتنی بر رادیو تلویزیون ملی است باید دست کشید و باید به این موضوع پرداخت که فضای جدید را چگونه باید کنترل کرد و برای آن رگولیشن انجام دارد یا به عبارت کامل‌تر چگونه باید آن را حکمرانی کرد؛ لذا بررسی چالش‌های حقوقی مطرح در موضوع دارای ویژگی آینده پژوهی و کاربردی است.

❖ مبانی، چالش‌ها و ساز و کارهای حمایت از دارایی‌های فکری رسانه ملی پخش شده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای

صداوسیما به عنوان یکی از بزرگترین مرجع آثار فکری در حوزه هنری و ادبی است با این حال فقدان قانون جامع و رویه قضایی مناسب این حوزه از حقوق را به شدت آسیب‌پذیر کرده است و نقض حقوق مالکیت فکری سازمان به شیوه‌ها و روش‌های مختلف به خصوص در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای یکی از چالش‌های پیش روی صداوسیما است؛ لذا موضوع کاملاً کاربردی است و بررسی موضوع و تعیین چارچوب‌ها و قالب‌های حمایتی از حقوق مالکیت فکری صداوسیما بدون شک در جهت شناختن حق مؤثر خواهد بود.

❖ صلاحیت مراجع قضایی ملی و بین‌المللی در خصوص پخش محتوا تنفرآمیز، ترویج خشونت و تروریسم در رسانه‌های خارجی

با توجه به اینکه رسانه به عنوان یکی از شایع‌ترین و اثرگذارترین ابزار در همه ابعاد زندگی انسان عمل می‌کند و رسانه‌های خبری خارجی یکی از منابع قابل توجه برای پخش محتوا تنفرآمیز، ترویج خشونت و تبلیغ قدرت تروریسم است؛ تعیین مرجع قضایی صالح در بعد ملی و بین‌المللی موضوع نسبتاً خوبی برای بررسی پژوهشگران حقوقی است.

❖ تنظیم مقررات حوزه ماهواره‌ها (مطالعه تطبیقی در کشورها از جمله در کشور آمریکا، روسیه، فرانسه، هند، چین و غیره)

با توجه به چالش پیش روی ایران در حوزه تنظیم مقررات ماهواره‌ها، مطالعه تطبیقی این موضوع بویژه در کشورهای پیشرو کمک شایانی به ایران خواهد کرد. لذا موضوع دارای نگاهی کاربردی و با حرکتی رو به جلو است و موضوع نسبتاً خوبی برای بررسی پژوهشگران است.

❖ مطالعه تطبیقی رژیم حقوقی صوت و تصویر فراگیر در سازمان‌های پخش دولتی (ایران، چین، روسیه، ترکیه)

با توجه به اینکه مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر و نظارت بر آن منحصراً برعهده سازمان صداوسیما است اما یکی از چالش‌های حقوقی مطرح این است که مصادیق صوت و تصویر فراگیر چه مواردی را در بر می‌گیرد و همچنین با توجه به مطرح بودن چند پرونده در خصوص موضوع در صداوسیما و بررسی موضوع در سه کشور چین، روسیه و ترکیه کمک شایانی به روشن شدن ابعاد حقوقی موضوع خواهد کرد. لذا موضوع کاملاً دارای ویژگی آینده‌پژوهی و کاربردی است.

❖ ساز و کارهای صیانت از اصل میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای برای کشورهای در حال توسعه

میراث مشترک بشریت میراثی است که مربوط به همه افراد جوامع بوده و شخصی نمی‌تواند ادعای مالکیت انحصاری آن‌ها را داشته باشد. گرچه مفهوم این نوع میراث دقیقاً در اسناد بین‌المللی مورد تعریف قرار نگرفته لیکن در اسناد مختلف مصادیق آن مورد شناسایی قرار گرفته است. برای نمونه معاهده ماه مصوب ۱۹۷۹ در ماده ۱۱ مقرر داشته است که: «ماه و منابع طبیعی اش میراث مشترک بشریت‌اند». لزوم شناسایی فضای ماورای جو از آن روست که این حوزه برخلاف حوزه جوی کشورها که محدوده انحصاری اعمال صلاحیت کشورهاست، همه کشورها می‌توانند کاوش‌ها و اعمالی را در راستای خدمت به بشریت انجام دهند. یکی از اعمالی که در این راستا انجام می‌شود ارسال ماهواره‌های پخش مستقیم توسط کشورهای پیشرفته و پخش برنامه‌های متعدد به کشورهای هدف در سریع‌ترین زمان ممکن و اغراض سیاسی، فرهنگی و... خاصی است. در این میان کشورهای کم‌برخوردار از تجهیزات ارسال ماهواره از چنین اختیار و اعمال صلاحیتی محروم بوده و لاجرم تحت تأثیر برنامه‌های کشورهای دیگر قرار می‌گیرند و این امر با اهداف و اصول ماورای جو که استفاده از آن باید به کلیه افراد جوامع بشری سود رساند در تعارض است. از این روی در تأمین هدف فوق و بهره‌برداری کشورهای کم‌برخوردار یا در حال توسعه از این امکانات پخش بایستی سازوکارهای رسمی و قدرتمندی طراحی گردد تا این کشورها نیز بتوانند در این پخش این نوع برنامه‌ها مشارکت نمایند. همچنین بررسی این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است که در صورت کشور بهره‌گیر از فضای ماورای جو با ارسال برنامه‌های نامناسب در گستره سرزمینی کشور کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه حاکمیت سرزمینی آن کشور را مورد حمله قرار داد چه مکانیسمی برای دفاع از کشور مورد تهاجم پیش بینی شده است.

❖ پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای و اصل منع مداخله در نظام حقوق بین‌الملل

در عصر کنونی از منظر حقوقی روابط بین‌المللی دول با هم به صورت افقی یا عرضی شکل گرفته است و همه کشورها با هم برابر بوده و هیچ کشوری حق مداخله در امور دیگر دول را ندارد از این رو چنان که آن‌ها می‌توانند از ورود افراد بیگانه و کالاهای مادی غیرمجاز به درون مرزهای خود جلوگیری نمایند، صلاحیت برخورد با امواج غیرمجاز ورودی را نیز دارند. پیش‌تر دریافت امواج رادیویی و تلویزیونی توسط دولت‌ها به وسیله دستگاه‌های زمینی صورت می‌گرفت و هر یک از دول به اقتضای فضای داخلی و سیاست‌های خود، به عنوان واسطه‌ای نسبت به دریافت و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مد نظر خود اقدام می‌کردند لیکن پس از تحول رسانه‌ای و امکان ارسال مستقیم امواج از ارتفاع بسیار بالا و دریافت آن توسط هر یک از شهروندان، اصل عدم مداخله دول مورد مناقشه و نقض قرار گرفت و دول سعی در مقابله در برابر چنین نقض حاکمیتی قرار گرفتند. گرچه در اسناد بین‌المللی مختلف حق شهروندان برای دسترسی آزاد به اطلاعات

و برنامه‌های رسانه‌ای مورد تأیید قرار گرفته اما چنین امری، اصلی مطلق نبوده و به اقتضای منفعت عمومی یا اخلاق حسنه قابل تحدید است. پژوهش حاضر می‌تواند مخاطرات و مزایایی این نوع پخش را در بستر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نشان دهد و همچنین بازگوکننده اثر بخشی قوانین مرتبط داخلی در خصوص این موضوع باشد چرا که از سویی برحسب قانون اساسی یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی جلوگیری از مداخله کشورهای دیگر در امور داخلی کشور و حفظ استقلال سرزمینی است و از سوی دیگر بنا به ماهیت تحدیدپذیر برخی حق‌ها مثل حق بر آزادی اطلاعات یا حق آزادی رسانه‌ای و همچنین لحاظ حقوق فرهنگی امکان جلوگیری از پخش برنامه‌های غیراخلاقی، تنفرآمیز، اشاعه دهنده تروریسم، ضد مذهبی و... وجود دارد و وظیفه دولت است که جامعه‌ای عاری از بی‌اخلاقی را فراهم نماید.

❖ مسئولیت شبکه‌های ماهواره‌ای در پخش اطلاعات و اخبار در وضعیت اضطراری (کرونا)

رسانه‌ها در دنیای امروز نقش بسیار مهم و پررنگی در انتقال انواع مختلف اطلاعات به شهروندان دارند و در این میان رسانه‌های سمعی و بصری مثل رادیو و تلویزیون نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کنند. چنین امری از آنجا اهمیت بالای خود را بیش از پیش نشان می‌دهد که یک وضعیت اضطراری در جامعه‌ای یا سطح بین‌المللی حاکم باشد و این رسانه‌ها به عنوان مراجع خبری توده مردم در خصوص دریافت اطلاعات مقتضی قلمداد شوند. از این روست که بار مسئولیت اطلاع رسانی صحیح، دقیق و سریع اهمیت بیش از پیشی به خود می‌گیرد. در بحران شیوع و همه‌گیری بیماری کرونا نیز که در مقیاس جهانی باعث محدودیت‌های گسترده شد، نقش رسانه‌ها در خصوص ارائه نکات ایمنی مورد نیاز و همچنین آگاهی بخشی درباره ابعاد و ویژگی‌های این بیماری امری بنیادین و بایدانگار تلقی شد و همه رسانه‌ها سعی در اطلاع رسانی مقتضی در این خصوص را داشتند. این ضرورت از آنجا شایان توجه است که نه تنها رسانه‌های درون مرزی و رسمی کشورها نسبت به این کار اقدام می‌نمودند بلکه رسانه‌های مستقر در سایر کشورها نیز با استفاده از امواج ماهواره نسبت به ارسال برنامه‌های مرتبط به این بیماری اقداماتی را انجام دادند. نکته‌ای که در این خصوص باید بدان توجه داشت آن است که با توجه به شرایط اضطراری حاکم باید ملاحظاتی را در انتقال اخبار و اطلاعات به کار برد. از این رو بایستی از ارائه اطلاعاتی که موجب تشویش اذهان عمومی شده یا توصیه‌هایی که منجر به تهدید سلامت عامه می‌شود یا در تعمیق بحران مؤثر است، پرهیز شود و در این صورت می‌توان چنین رسانه‌هایی را از باب تسبیب مورد تعقیب قرار داد و مسئولیت کیفری و مدنی آن را لحاظ کرد.

❖ صیانت از حقوق مالکیت معنوی آثار رسانه‌ای در فضای مجازی

مالکیت معنوی در جهان امروزی از اهمیت شایانی برخوردار است؛ چرا که خالقان یک اثر با بهره‌برداری از مزایای این نوع مالکیت نسبت توسعه آثار خویش در راستای منافع اجتماعی و سود شخصی خود اقدام می‌نمایند. از سوی دیگر بسط و گسترش سریع فضای مجازی در قالب‌های مختلف این امکان را فراهم کرده

است که چنین آثاری هم در سطح گستره تری دیده شوند و هم آنکه امکان نقض حقوق معنوی خالقان این آثار ممکن باشد. از این رو صیانت از حقوق معنوی در بستر فضای مجازی اهمیت شایان خود را نشان می‌دهد. این امر از آنجا اهمیت دو چندان خود را آشکار می‌سازد که بر اساس شاخص‌های بین‌المللی، دولت جمهوری اسلامی ایران در سالیان اخیر در صیانت از آثار مالکیت معنوی رتبه ضعیفی بین کشورهای مختلف به دست آورده و نشان داده مسیر ناپیموده بسیاری در باب حمایت از این نوع حقوق در پیش رو دارد. آثار تولیدی رسانه‌ای نیز یکی از مواردی است که در فضای مجازی بسیار مورد سوء استفاده قرار گرفته و ضربه اقتصادی و فرهنگی بزرگی نه تنها به تولیدکننده آثار وارد نموده بلکه موجب بی‌انگیزگی فعالان این عرصه نیز شده است. چنین امری از آنجا نشأت می‌گیرد که نحوه حمایت از خالقان و مالکان آثار رسانه‌ای و صیانت از محصولات آنان با فقدان قوانین مورد نیاز و نقض قوانین موجود، با چالش بنیادینی روبروست و به جرات می‌توان ادعا داشت قوانین متناسب و مقتضی برای صیانت از این نوع آثار مخصوصاً در بستر فضای مجازی وجود ندارد. از این رو پژوهش حاضر می‌تواند باب بررسی تطبیقی نحوه صیانت از حقوق معنوی آثار رسانه‌ای در کشورهای پیشرو مخصوصاً با عنایت به شاخص‌ها و مؤلفه‌های بین‌المللی نسبت به ارائه الگویی مناسب برای نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و سازمان صداوسیما اقدام نماید.

❖ محدودیت‌های پخش برنامه‌های ماهواره‌ای در اسناد و رویه‌های حقوق بین‌المللی

عصر حاضر را عصر اطلاعات نامیده‌اند و در فضایی که از آن به عنوان دهکده جهانی نام برده می‌شود سرعت تولید، انتقال و دریافت این اطلاعات اهمیت ویژه‌ای برای خود پیدا کرده است. یکی از ابزارهای این انتقال اطلاعات ماهواره‌ها هستند که امکان تبادل سریع و انبوه برنامه‌ها و اطلاعات را در کمترین زمان ممکن و با کیفیت بسیار بالا در گستره بسیار زیادی دارند. این امر موجب گشته که اسناد مختلف حقوق بشری ضمن شناسایی و تأیید آزادی و حق شهروندان برای دسترسی به اطلاعات، برخی محدودیت‌ها را برای پخش نیز تعریف نمایند. عدم خدشه به سلامت عمومی، عدم پخش برنامه‌های ضداخلاقی، لزوم حفظ نظام خانواده، حفظ مصلحت عمومی، عدم ترویج تروریسم، عدم اشاعه برنامه‌های نفرت‌انگیز و... از جمله مواردی است که در اسناد مختلف حقوق بشری و حتی رویه‌های قضایی به عنوان محدودیت‌های پخش برنامه‌های ماهواره‌ای در نظر گرفته شده است. همچنین در کنار این کار باید به لزوم احترام و رعایت حق سرزمینی و حاکمیت ملی دولت‌ها نیز اشاره داشت که یکی از اصول شاخص حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. پژوهش حاضر می‌تواند با بررسی این محدودیت‌ها و شناسایی آن‌ها در نظام حقوقی ایران نسبت به ارائه نظامی مطلوب از این محدودیت که ضمن رعایت حق‌ها و آزادی‌های مردم، از پخش برنامه‌های غیرمناسب نیز جلوگیری نماید و الگویی مناسب را با توجه مقتضیات فرهنگی و قانونی جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید. همچنین می‌تواند این موضوع را تحت بررسی قرار دهد که در صورت تهدید فضایی اطلاعاتی و پخش

❖ مطالعه تطبیقی ابعاد حقوقی مدیریت حاکمیتی بر باندهای فرکانس‌ها

اگرچه ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات مدیریت بر فضای فرکانسی را جزء وظایف آن وزارتخانه دانسته است، اما ماده (۱۴) این قانون مقرر می‌دارد: اختیارات و وظایف مربوط به این وزارت مندرج در این قانون شامل محدوده وظایف و اختیارات سازمان صداوسیما و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود و قوانین و مقررات مربوط به آنان به قوت خود باقی است. تخصیصات فرکانسی مختص پخش همگانی (برودکست) با کارایی‌های مختلف مورد نیاز برای اینکار مانند موج SW برای پوشش رادیویی جغرافیای دور، موج MW برای پوشش جغرافیای نزدیک، موج FM برای پوشش رادیویی جمعیتی منطقه‌ای و امواج UHF و VHF تلویزیونی راندمان بالایی برای پخش رادیو و تلویزیون دارند. استفاده از آنها در کاربردهای پخش فردی (غیر همگانی) در موبایل و اینترنت و اینترنت فاقد توجیه اقتصادی و خلاف مصالح کشور است.

موضوع واگذاری فضای فرکانسی سازمان پیش از این نیز در قالب ماده (۳۸) لایحه احکام دائمی مطرح شد و کمیسیون تلفیق پس از استماع اظهارات و دفاعیات سازمان صداوسیما و وزارت ارتباطات و بحث و بررسی فراوان، این ماده را از لایحه حذف کرد. سازمان صداوسیما با استفاده از فضای فرکانسی در اختیار، صرفاً به تکالیف قانونی و حاکمیتی خود در امر تأسیس، توسعه و نگهداری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی جهت ارائه خدمات عمومی عمل می‌نماید. از طرفی سیاست‌های رسانه ملی مبنی بر توسعه پوشش دیجیتال در سراسر کشور به میزان ۹۹٪ توسعه پوشش شبکه‌های استانی در تهران و گستره کشور، تبدیل شبکه‌های تلویزیونی از فرمت SD به HD و UHD(4k,8k) توسعه بسترهای دیجیتال تلویزیون به ده بسته و توسعه رادیو دیجیتال، مستلزم بهره‌مندی از تمامی فضای فرکانسی در اختیار این سازمان می‌باشد. چرا که پیچیده بودن طراحی، نصب و راه‌اندازی این زیرساخت‌ها، اثرات تداخل این سایت‌ها به دلیل بالا بودن توان ارسالی و پیچیده بودن اقلیم کشور، گستره بزرگی از فرکانس را مطالبه می‌نماید. از اینرو با عنایت به اینکه در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ فرستنده کشور در باندهای ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز در حال فعالیت می‌باشند، امکان واگذاری این باندها به هیچ عنوان فراهم نبوده در غیر این صورت وظایف ذاتی این سازمان جهت سیگنال‌رسانی به مخاطبان با اختلال مواجه می‌گردد.

❖ مطالعه تطبیقی ایجاد دادگاه‌های تخصصی رسانه

توجه به این رویکرد اصولاً در امر مدیریت رسانه به ویژه رسانه ملی و افتضائات و شرایط و نحوه مدیریت و نظارت بر آن بسیار تخصصی و حائز اهمیت و دارای ظرافت و حساسیت خاص است و این امر مأموریت و رسالت خطیر رسانه را مضاعف می‌نماید. لذا به منظور حفظ حقوق رسانه ملی و جلوگیری از تضییع حقوق

آن و جلوگیری از اضطراب‌ها و نگرانی‌های مدیران رسانه و رفع تشویش‌ها در زمینه شکوفایی خلافت‌ها و استفاده حداکثری از قاب جادویی رادیو و تلویزیون در زمینه آموزش و هدایت افکار عمومی و انتشار فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی، ضرورت تام دارد که دادگاه‌های اداری و حقوقی و کیفری و نیز مراجع شبه قضایی تخصصی ویژه رسانه و اصحاب و مدیران و کارکنان و مدعیان حق و تضييع حقوق تشکیل شود و با آموزش‌های لازم و تخصصی و ارتباطات دو سویه مرتب و مداوم امکان تحقق آمال فراهم شود.

❖ سازوکارهای حقوقی و قضایی مواجهه با ممنوعیت‌ها و قطع خدمات اینترنتی یا ماهواره‌ای در اروپا، آسیا و آمریکا

در جریان فضای آزاد اطلاعات، همه اشخاص حق دارند با رعایت ضوابط بین‌المللی به ویژه عدم حمایت از تروریسم (*control terrorism regulation*) و جنایات سازمان‌یافته و نفرت‌پراکنی (*hate speech*) اطلاعات خود را تولید و بازنشر کنند و خدمات دهنده نمی‌تواند اقدام به قطع، اختلال یا محدودیت در آن کند. در صورت نقض این قاعده، اسناد حقوق بشری از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در سطح بین‌المللی و ماده ۱۰ کنوانسیون اوپایی حقوق بشر آن را محکوم می‌کنند و دولت‌ها مسئولیت «رعایت»، «احترام» و تضمین دارند و شرکت‌های خصوصی نیز علاوه بر الزامات کلی، ملزم به رعایت «مقررات یونسکو»، «مسئولیت اجتماعی»، «خودتنظیمی»، «مقررات اتحادیه اروپا»، بخش تحلیلی آرای اروپایی، آفریقایی و... دیوان حقوق بشر و اصول کلی حقوقی (اصل اقدام معقول، اصل آزادی ارتباطات، حق تنوع و تکثرگرایی، اصل گردش آزاد اطلاعات، اصل تناسب، اصل عدم تبعیض، اصل پاسخگویی، استاپل و...) هستند. بنابراین سوال اصلی این محور این است که مبتنی بر قوانین و قواعد حقوقی بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی چگونه می‌توان از نقض الزامات جامعه اطلاعاتی نزد مراجع حقوقی و قضایی جلوگیری کرد؟ در این راستا مطالعه و تحلیل قضایای مربوطه (*case law*) نیز دارای اولویت است.